

اصول اقتصاد سیاسی اسلام
(با محوریت سیاست داخلی ایران)

www.ketab.ir

مؤلف: ملیحه خواجوی

خواجهی، ملیحه، ۱۳۶۴-
 عنوان و نام پدیدآور: اصول اقتصاد سیاسی اسلام / مولف ملیحه خواجهی
 مشخصات نشر: مشهد: انتشارات آخ جون کتاب، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص.
 شابک: ۴-۰-۹۸۱۷۷-۶۲۲-۹۷۸-۵۰۰۰۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۶۳-۱۶۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع: اسلام و اقتصاد
 موضوع: Economic aspects -- Islam
 موضوع: اسلام و سیاست
 موضوع: Islam and politics
 رده بندی کنگره: ۲/۲۲۳ BP
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۳
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۱۹۶۶۶



آخ جون کتاپ

عنوان کتاب: اصول اقتصاد سیاسی اسلام (با محوریت سیاست داخلی ایران)

نویسنده: ملیحه خواجهی

انتشارات: آخ جون کتاب

صفحه آرا و طراحی جلد: قاسم نوراحمدی

چاپ: اول / ۱۴۰۰

شابک: ۴-۰-۹۸۱۷۷-۶۲۲-۹۷۸

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۵۰ هزار تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

مرکز پخش: ۰۹۳۵۰۵۶۱۴۱۴

فهرست

مقدمه	۱۱
فصل اول: مبانی و اصول اقتصاد سیاسی اسلامی	۱۷
سیاست و حکومت	۱۹
نظام‌های اقتصادی غیراسلامی	۲۰
روش اقتصاد اسلامی	۲۳
ویژگیهای اقتصاد اسلامی	۲۴
اصلاح سرچشمه‌ها	۳۷
تفاوت اقتصاد اسلامی و اقتصاد مادی نگر	۳۸
ویژگیهای اقتصاد سالم	۴۲
سیاست خارجی در اقتصاد سیاسی اسلام	۴۸
فصل دوم: نظام اقتصادی عدالت گسترآرمانی (مهدوی)	۵۱

۸	اصول اقتصاد سیاسی اسلام
۵۳	ارتباط اقتصاد مهدوی و اقتصاد اسلامی
۵۴	عدالت مهدوی
۵۷	سخنران ائمه در باب اقتصاد سیاسی
۶۸	نروم اجرای عدالت در جامعه
۷۲	نهادهای اقتصادی در حکومت امام مهدی علیه السلام
۷۵	نقش دولت در نظام اقتصادی
۷۷	ویژگیهای اقتصادی

۸۱	فصل سوم: سیاستهای اقتصاد سیاسی در عرصه داخلی
۸۳	ساختار کلی اقتصاد اسلامی
۸۴	نظریه توزیع در اسلام
۸۵	تولید و توزیع پس از تولید
۸۷	دولت در اقتصاد اسلامی
۸۷	اعمال سیاست سقف و کف قیمت

بخش دوم

۸۹	فصل اول: اقتصاد در قانون اساسی
۹۱	ویژگیهای راهبردی
۹۳	برابری در برابر قانون (آموزش، بهداشت، ...)
۹۵	تفاوت توازن اجتماعی و اقتصادی
۹۶	قلمرو سیاستهای اجرایی دولت
۱۰۴	وظایف دولت

مقدمه

زیربنای اقتصاد سیاسی هر جامعه‌ای اصول فکری و ایدئولوژیکی آن جامعه می‌باشد. از آنجایی که ایران دارای حکومت اسلامی بوده و هدف اقتصادی جمهوری اسلامی ایران رسیدن به حداکثر رفاه اجتماعی است، باید منفعت اجتماعی جایگزین مطلوبیت و منافع فردی شود. با توجه به هدف اقتصاد سیاسی اسلام، کسانی که در منصب حکمرانی هستند باید در جهت برآورده نمودن نیازهای معیشتی و اساسی حداکثر کوشش را به عمل آورند. قانون‌گذاران و مجریان قانونی نیز باید به دنبال راهکارهایی برای کاهش فساد و تبعیض و بهبود امور معیشتی و پیاده‌سازی اصول اقتصاد اسلامی باشند تا بتوانند عدالت اقتصادی و اجتماعی را در جمهوری اسلامی برقرار نمایند.

بعد از انقلاب اسلامی، شخصیت‌های گوناگونی در مسئولیت‌های مدیریتی و اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی ایفای نقش کرده‌اند که تفکرات و سلاقی متفاوت حزبی و جناحی و اقتصادی داشته و به اصطلاح «راستی یا چپ‌ی» بوده‌اند که در هر دو گروه افراط و تفریط‌هایی وجود داشته و همین سبب شده که اقتصاد ایران از جایگاه چندان مطلوبی برخوردار نباشد و متأسفانه رفاه

مطلوب نظام اسلامی در جامعه وجود نداشته و تفاوت طبقاتی، بی عدالتی و تورم و بیکاری همچنان از معضلات اصلی جامعه باشد. حل مسائل و مشکلات مهم اقتصادی به صورت درون‌زا و تغییر نگاه به بیرون از کشور، مقابله با چالش‌ها و کاستن از فشارهای دشمنان و تحریم‌ها، اصلاح برخورد شعاری و التزام عملی به اصول اقتصاد مقاومتی در بین مدیران، اجرای بخشی از اقتصاد مقاومتی پس از مراحل تبیین، تبلیغ و قانون‌گذاری به‌ویژه در زمینه تولید و اشتغال از راه‌های بیرون‌رفت مشکلات امروز جامعه ماست. همه ایرانیان آرزو دارند کشورشان پس از کسب استقلال سیاسی به استقلال اقتصادی هم برسد. نظام اقتصادی تلاش می‌کند ساختار اقتصادی کشور موجب رفاه و اقتدار شود. برای تحقق اهداف اساسی جمهوری اسلامی ایران تلاش‌ها و دقت‌های لازم اعمال شده است؛ اما به جهت مواجهه کشور با جنگی ناخواسته و طولانی و متاثر شدن ارگان‌های اقتصادی و زیربنایی از پیامدهای آن، شرایط طوری رقم خورد که پس از پایان جنگ اشتیاق به بازسازی اجرایی‌های ناشی از جنگ و ایجاد رونق اقتصادی برای یکی دو دهه با انگوها و معیارهای مورد نظر قانون اساسی، امور اقتصادی را در ذهن مسئولان اجرایی کشور کم‌رنگ کرد یا آنان با ساده‌انگاشتن پیچیدگی‌های برنامه‌ریزی‌های اقتصادی دچار این تصور شدند که راه حل مشکلات اقتصادی و مسیر نیل به آرمان‌ها و ارزش‌های جامعه مسلمان در پیگیری راهکارهای موسوم به «اقتصاد سرمایه‌داری» است؛ و نتیجه آن شد که با گذشت ۳۰ سال از پایان جنگ و تجربه چهار دوره برنامه‌ریزی، هنوز مشکلات عدیده‌ای در مسیر اقتصاد ایران وجود دارد. اگر می‌خواهیم اقتصاد ایران به وضعیت مطلوبی برسد، باید افرادی مسئولیت مدیریت را بپذیرند که بتوانند سیاست‌های مطلوب اقتصادی را پایه‌ریزی و در زمان

مناسب اجرایی نمایند، نه اینکه تأثیرات مخرب روانی در جامعه به بار آورند و همچنین در جهت وضع عدالت اجتماعی (آموزش، بهداشت و درمان) و عدالت اقتصادی (کاهش شکاف طبقاتی و توازن اقتصادی) حداکثر کوشش به عمل آید. و اتحاد جامعه نیز در انتخاب‌هایشان به دنبال تخصص و تعهد و نیروی جوان، پراگیزه و انقلابی باشند، نه اینکه صرفاً به دنبال مصلحت‌اندیشی سیاسی و تعصبات بی‌جا باشند. باید در عمل از قانون اساسی و سیاست‌های آن تبعیت شود، هرچند مخالف مصالح فردی و خانوادگی باشد؛ تا اینکه افراد صاحب‌نظر و صاحب‌ایده به مناصب قانون‌گذاری دست یابند و بتوانند کشور را به سمت آرمان‌های اقتصاد اسلامی و توسعه‌یافتگی رهنمون شوند.

مفهوم مطالعات اقتصاد سیاسی مستلزم رابطة و اثرگذاری دوسویه اقتصاد بر سیاست و سیاست بر اقتصاد است. اقتصاد سیاسی به این معناست که مسائلی چون توزیع درآمد و ثروت، ساختار قدرت و عدالت اجتماعی در جامعه بررسی شود. برای مثال، وظیفه دولت اسلامی، این است که بتواند در جامعه طبق معیارهای اسلامی ارزش واقعی کار هرکس را با توجه به میزان کارایی او ارزش‌گذاری کرده و براساس آن مزد تعیین کند، به عنوان مثال، کارگریا کارمند یا تاجربه اندازه منفعت اجتماعی باید عایدی داشته باشد و اگر فردی فعالیت غیررسمی یا مفاسد اقتصادی دارد، باید جلو او گرفته شود و در تجارت خارجی هم وظیفه دولت است که معاهدات و قراردادهایی را منعقد کند که دارای منفعت اجتماعی می‌باشد نه اینکه بر مبنای برخی مناسبات سیاسی یا خوشامد افراد صورت گیرد. پیش فرض اقتصاد سیاسی، التزام عقیدتی و عملی به مجموعه‌ای از اصول و اهداف است. یکی از این اصول، اعتقاد به

هدفمندی امور و هدایت حاکمی باتدبیر است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «ما خلقنا السماء والأرض وما بينهما لاعبین؛ و ما آسمان و زمین و هر آنچه میان آنهاست را بازیچه نیافریدیم»^۱ و نیز می‌فرماید: «و امنوا بالله و رسوله و انفقوا مما جعلکم مستخلفین فيه؛ به خدا و رسول خدا ایمان بیاورید و از آنچه شما را وارث گذشتگان گردانید در راه خدا انفاق کنید»^۲ پس یک نیروی ناظر و حسابگردونی برای اعمال سیاسی و اقتصادی وجود دارد که انسان‌ها باید در برابر آن پاسخگو باشند. اقتصاد اسلامی اصول و فنونی دارد که قطعاً التزام به آنها برای دستیابی به مدینه فاضله لازم و ضرور است. منظور از اصول اقتصاد اسلامی مفاهیمی مانند تحریم ربا، عدم جواز اسراف و تبذیر، عدم جواز کم‌فروشی، ممنوعیت رشوه و غصب و احتکار، رعایت عدل و انصاف و گسترش قرض الحسنه و امور خیریه و نگرش ابزاری به اقتصاد است. چراکه اقتصاد باید به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف متعالی انسانی با حفظ کرامت انسان‌ها مورد توجه قرار گیرد. با توجه به استعداد حکومت اسلامی در ایران و برخورداری از نعمت ولایت فقیه می‌توان تحقق اقتصاد سیاسی عدالت‌محور را به عنوان چشم‌انداز نظام مورد توجه قرار داد و برای رسیدن به این آرمان تلاش کرد.

برای رسیدن به کرامت انسانی و برقراری عدالت، اقتصاد باید اخلاق‌محور باشد. ضرورت پژوهش به منظور فرمول‌بندی، تبیین و ارائه نظریه اقتصاد سیاسی اسلامی است؛ به نحوی که بتوان اقتصاد سیاسی اسلامی را پیاده‌سازی

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۶.

۲. سوره حدید، آیه ۷.

نمود. اختلاف اقتصادهای سیاسی معاصر با اقتصاد سیاسی اسلام ناشی از مبانی ایدئولوژیک آنها است به طوری که سبب شده تا هر کدام براساس چارچوب نظری، اهداف و انگوهای ارائه شده خود، مدل های متفاوتی را برای پیشبرد اقتصاد در جوامع ارائه کنند.

باید اقتصاد سیاسی اسلام و اصول آن را با استفاده از نیروی متخصص و کاردان پیاده سازی نمود که نه تنها مسائل بیکاری و تورم را حل کنند، بلکه بصورت درونزا بتوانند به توزیع عادلانه درآمد بپردازند.

با وجود تحقیقات گسترده ای که در چند دهه اخیر درباره توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام صورت گرفته است، درباره تدوین معیارهای آن چندان بحث نشده است. به طور کلی تضاد با اقتصاد جهانی و برآورده کردن نیازهای اساسی جامعه از جمله عدالت و ریشه کن کردن فقر و مبارزه با شکاف طبقاتی، به روشنی بیان نگردیده است. چند مورد از مضامین انجام گرفته در این زمینه عبارتند از: نصرالله خلیلی (۱۳۸۵) ضمن بیان معنی توسعه انسانی اسلامی، ایمان و عمل صالح را معیارهای آن می داند. او می گوید ایمان و عمل صالح را با توجه به میزان عمل به فروع دین می توان اندازه گیری کرد. همچنین محمد جمال خلیلیان و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی مبانی و معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام پرداخته، و براین اساس شاخص های موفقیت یک جامعه از دیدگاه اسلام را در نظر گرفته و شاخص توسعه انسانی را از جمله دینداری، معرفت و کرامت و آزادگی می داند. همچنین در طرح پژوهشی بیان می کند: اتخاذ سیاست توسعه خارجی توسعه گرا و تعاملی فعال در عرصه های منطقه ای و فرامنطقه ای در کنار مدیریت بهینه منابع، ظرفیت ها و توانمندی های داخلی با عنایت به ایجاد تحول در ساختار اقتصادی کشور و

فاصله گرفتن از فضای امنیتی بسته در این حوزه می تواند راهگشا باشد. همچنین در طرحی پژوهشی ازجانب محمود واعظی و همکاران (۱۳۹۳) در ارتباط با راهبرد سیاست خارجی برای ارتقای جایگاه اقتصادی ایران در شرایط بین‌المللی، بیان می‌نماید که باید نظام اقتصادی مرکزگرا به سمت اقتصاد جهانی چندجانبه‌گرا حرکت کند. یعنی باید مناسبات سیاسی قابل قبولی با کشورهای دیگر داشته باشد. اما در هیچ کدام از این تحقیقات به بررسی اصولی اقتصاد سیاسی مبتنی بر اسلام پرداخته نشده است.

کتاب حاضر به پیاده‌سازی و انطباق اقتصاد دستوری مبتنی بر اسلام پرداخته و در پایان راهکارهایی در حوزه تولید داخلی و تعاملات بین‌المللی برای برون‌رفت از مضللات اقتصادی بیان می‌کند. پیاده‌سازی اقتصاد سیاسی اسلامی می‌تواند اقتصاد کشور را در شرایطی ایده‌آل قرار دهد؛ به نحوی که ایران را به یکی از کشورهای قدر اقتصادی در دنیا تبدیل کند.